

تصمیم‌گیری در نظام ولایی اسلام:

بحثی پیرامون مرجعیت و رهبری

نویسنده: دکتر حسین باهر

عضو هیئت علمی دانشگاه شهید بهشتی

چکیده

اسلام، به عنوان یک مکتب جامع‌الاطراف، در عموم زمینه‌های پنداری و رفتاری، دارای معارف و احکامی است که بعضاً مطلق و بعضاً نسبی هستند. مطلق‌های اسلامی آنهایی می‌باشند که محدود به شرایط زمان و مکان نیستند و برعکس، امور نسبی آن دسته از اموری هستند که اگر چه احکام آنها ثابت است، ولی مصادیق‌شان بسته به تحولات زمانی و تغییرات مکانی متفاوت گردیده، لذا نیازمند اجتهاد اهل نظر هستند. بنابراین اجتهاد، که ضرورت فقاہت اسلامی است، در دو زمینه لازم می‌گردد: یکی در فهم احکام اولیه و دیگری در تطبیق موضوعات با احکام.

آنچه که در این مقاله آمده است، در حقیقت نوعی استنباط علمی است از معارف دینی در زمینه‌های تصمیم‌گیری که بنا به برداشت نویسنده، دارای طبقه‌بندی چهارگانه‌ای می‌باشند. به اجمال زیر:

۱. روابط خود و خود، ۲. روابط خود و خدا، ۳. روابط خلق و خلق، ۴. روابط خلق و خدا
- و بحثی پیرامون مرجعیت و رهبری (ولایت فقیه) و نحوه انتخاب مرجع تقلید و ولی امر مسلمین در اسلام که توجه شما را در این مقاله به آن جلب می‌نماید:

□ بخش اول: روابط چهارگانه:

در نظام حکومتی اسلام یکی از چهار زمینه تصمیم‌گیری به شرح زیر
محتمل‌الوقوع است:

اول) روابط خود و خود یا روابط شخصی، مانند تصمیم‌گیری در مورد نحوه معاش خود و افراد تحت تکفل شخص رشید. در این‌گونه روابط، تصمیم‌گیری با شخص ذریبست است که دارای شرایط بلوغ، عقل، آگاهی و آزادی می‌باشد. تصمیمات از این نوع را اصطلاحاً "رای" گویند و معمولاً این رای براساس سلیقه صاحب‌عله تحقق می‌گیرد، اگرچه اخلاقاً او موظف است که در صورت عدم آگاهی لازم، با افراد صاحب‌نظر مشورت کند. همانگونه که در قرآن آمده است: **فَاسْأَلُوا أَهْلَ الذِّكْرِ إِنْ كُنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ (۴۳ النحل ۱۶)**.

فرضاً برای آن که پدر و مادری فرزند کوچک‌تر از دو سال خود را از شیر بگیرند، ابتداء با پزشک اطفال مشورت می‌کنند و سپس در صورت تأیید، او را از شیر می‌گیرند. همانگونه که در قرآن آمده است:

فَإِذَا أَرَادَا فِصَالًا عَنْ تَرَاضٍ مِنْهُمَا وَتَشَاوُرٍ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِمَا (۲۳۳ بقره ۲).

بدیهی است که در صورت فقدان یک یا چند شرط از شرایط چهارگانه اهلیت برای انسان رشید، قیم قهری یا قانونی به جای او تصمیم‌گیری می‌کند. برای مثال، پدر یا جدپدری (در صورت فقدان پدر) برای فرزندان صغیر او تصمیم می‌گیرد و یا قیم قانونی منصوب از طرف مراجع ذیصلاح برای انسان سفیه (مانند تاجر ورشکسته به تقصیر) اخذ تصمیم می‌کند.

دوم) روابط خود و خدا یا روابط معنوی، که بعضی اوقات به آنها روابط خصوصی نیز اطلاق می‌شود، دربرگیرنده عبادات انفرادی است که مبتنی بر فروع دین می‌باشد.

اصول دین، همانگونه که مشهور است، قابل تقلید نبوده هر مسلمان رشیدی موظف است با تلاش شخص خود به مرحله استنباط آنها برسد.

آنچه که عقل و نقل بر آن اجماع دارد همانا تقلید در فروع دین است که ذیلأً به آن

می‌پردازیم:

صریحاً در قرآن آمده است که: **وَلَا تَقْفُ مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ (۳۶ الاسراء ۱۷)**.

یعنی: چیزی را که از آن آگاهی نداری به آن تکیه و اعتماد نکن.
 از طرف دیگر نیز آمده است که: فَاسْئَلُوا أَهْلَ الذِّكْرِ إِنْ كُنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ (۷ انبیاء ۲۱)
 یعنی: چیزی را که نمی‌دانید از صاحب‌نظران بپرسید.

بر این اساس، در هر امری و از جمله امور عبادی، یا خود انسان مجتهد است و صاحب‌نظر که به نظر خود عمل می‌کند. و یا اگر مجتهد نیست بایستی از نظر مرجع واجد شرایطی تقلید کند.

در این امر بدیهی نکاتی وجود دارد که نیاز به تعمق بیشتری دارد به شرح زیر:
 - اولاً مجتهد کسی است که بتواند براساس روش‌های مرتبط از متون ذیربط استنباط حکم کند.

- ثانیاً مجتهد، حق تقلید، حتی از اعلم را ندارد و این آزادی علمی را در اسلام می‌رساند.

- ثالثاً تقلید جاهل از جاهل، عالم از عالم و جاهل از جاهل، باطل و تقلید جاهل از اعلم واجب است.

- رابعاً لازم است کسی که نه خودش مجتهد بوده و نه به کشف اعلم و اعدل دسترسی پیدا کرده است، تا حصول یکی از این دو وضعیت، عمل به احتیاط نماید (که حکم آن در رساله‌های عملیه آمده است).

آنچه فوقاً به آنها اشاره شد، برداشت‌هایی است که از قرآن و سنت به عمل آمده به عنوان نمونه آیات و روایاتی را ذیلاً می‌آوریم:

مَا كَانَ الْمُؤْمِنُونَ لِيَنْفِرُوا كَآفَّةً فَلَوْلَا نَفَرَ مِن كُلِّ فِرْقَةٍ مِّنْهُمْ طَائِفَةٌ لِّيَتَفَقَّهُوا فِي الدِّينِ وَ لِيُنذِرُوا قَوْمَهُمْ إِذَا رَجَعُوا إِلَيْهِمْ لَعَلَّهُمْ يَتَّقُونَ (۱۲۲ التوبه ۹).

یعنی: همه مؤمنین که نمی‌شود به دنبال فهم دین حرکت کنند، پس چرا از هر فرقه‌ای طائفه‌ای چنین نکنند تا قوم خود را به هنگام رجوع به ایشان متوجه کرده شاید ایشان پرهیزکار گردند.

* - از قرآن ویژگی‌های مرجع تقلید به شرح زیر قابل استنباط است (تفسیری از آیه ماکان المؤمنون...):

۱ - ایمان، که خود آن دارای هفت شرط است (آیات ۲ تا ۹ سوره المؤمنون):

۱ - ۱ - نمازگزاری خاضعانه (یعنی نماز را برای نام و نان نخواندن)

- ۲-۱ - اعراض از اعمال لغو (یعنی پرهیز از هر فعل بدون خاصیت و عمل بدون نتیجه مفید)
- ۳-۱ - پرداخت زکوة (یعنی تزکیه کردن مال و علم و جسم و جان خود از راه دیگر بخشی)
- ۴-۱ - حفظ فروج خود از نامحرمان (یعنی رعایت حد و مرز شخص و شخصیت در روابط خصوصی و عمومی)
- ۵-۱ - رعایت امانت‌ها (یعنی دقت در نگهداری امانات و دادن آنها به اهل آنها)
- ۶-۱ - رعایت پیمان‌ها (یعنی پایبندی به عهود و عقود که با خدا و خلق خدا بسته است)
- ۷-۱ - محافظت نمازها و ادعیه خود (یعنی توجه به مضامین گفتاری در ادعیه و تعهد به عمل به آنها)
- ۲ - استعداد، یعنی داشتن استطاعت‌های ژنتیکی (IQ)، کسب معارف اسلامی و تحصیل معارف انسانی.
- ۳ - حرکت، یعنی جستجو کردن حقایق (از طرق مختلف استقراء، قیاس، الهام و اشراق).
- ۴ - انداز، یعنی برحذر داشتن و آگاه کردن بی‌دریغ مردمی که به آنها، بدین منظور مراجعه می‌کنند.
- * * - سنت، نیز ویژگی‌های مرجعیت تقلید برای فقیه را در چهار دسته ذکر کرده است به شرح زیر: (تقریر صاحب‌الامرع).
- مَنْ كَانَ مِنَ الْفُقَهَاءِ ضَائِعًا لِنَفْسِهِ خَافِظًا لِدِينِهِ مُخَالِفًا لِهَوَاهِ مُطِيعًا لِأَمْرِ مَوْلَاهُ فَلِلْعَوَامِ أَنْ يُقَلَّدُوهُ
- ۱ - صیانت نفس (یا استطاعت عملی که در اثر صیانت ذات فراهم می‌شود).
- ۲ - حفاظت دین (یا استطاعت علمی که در اثر حفاظت دین به دست می‌آید).
- ۳ - مخالفت با هوی (یا استطاعت اخلاقی که در اثر مخالفت با هواهای نفسانی میسر می‌گردد و...)
- ۴ - متابعت از مولا (یا استطاعت عرفانی که در اثر اطاعت از ولی امر خود و نهی از

منکر حاصل می‌شود).

*** - در رساله‌های عملیه نیز برای مرجعیت تقلید شرایطی ذکر شده است که از آن جمله می‌باشد: مجتهد، مرد، بالغ، عاقل، شیعه، حلال‌زاده، زنده، عادل، اعلم و غیر حریص به دنیا.

که به‌طور خلاصه این ویژگی‌ها را می‌توان در یک جمله ذکر کرد:
"مرجع تقلید شیعیان، مرد مسلمان رشید زنده‌ای است که نسبت به سایر فقها، به تشخیص اهل نظر اعلم و عادل در دین اسلام باشد."

سوم) روابط خلقی و خلتی یا روابط اجتماعی، عمومی و گروهی، که در سطوح مختلف: محلی، ملی و حتی بین‌المللی قابل تصور است.
ولایت این‌گونه روابط با عموم افراد زیر مجموعه گروه مورد نظر بوده و تصمیم‌گیری براساس نظر اکثریت آنها معتبر است. چنین رأی‌گیری را "دموکراسی" و چنان رأیی را "قانون" گوئیم. مشروط بر این که مخالف موازین شرع و قانون اساسی نباشد.

چهارم) روابط خلقی و خالتی، یا روابط اجتماعی - سیاسی، که جنبه عرفان عملی - عمومی داشته در سطح امت اسلامی تحقق می‌یابد.
ولایت این‌گونه روابط که یک طرف آن جمهور و یک طرف آن اسلام می‌باشد با **أولی الأمر منکم** و یا "ولی امر مسلمین هر زمان" می‌باشد.
شیعه از اولی الامر منکم، امامت معصوم (ع) را برداشت می‌کند که در صورت حضور و مسوولیت بودنش واجب الإطاعة می‌باشد.

و اما در غیبت امام معصوم (ع) (امام هدی)، در حالی که امت اسلامی به استقرار حکومت اسلامی علاقه‌مند باشند و با آن تبعیت کرده آن را نصرت نمایند، شخصیتی به نام نایب‌الامام (ولی فقیه) زمام امور مسلمین را به دست می‌گیرد. برای چنین شخصیتی در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران ۵ شرط آمده است:

۱ - فقیه، ۲ - عادل و با تقوی، ۳ - آگاه به زمان، ۴ - شجاع، ۵ - مدیر و مدبّر.

در قرآن کریم (برای امامت متقین) دوازده شرط به شرح زیر آورده شده است:

این آیات حکایت از اصرار قرآن و اسلام به تشکیل حکومت صالحین به عنوان

آخرین ابلاغ رسالت نبی اکرم (ص) (بَلِّغْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ) و تتمیم مکرمت‌های اخلاقی دارد (إِنِّي بُعِثْتُ لَأَتَمِّمَ مَكَارِمَ الْأَخْلَاقِ).

- شرایط امامت متقین در قرآن بین آیات (۶۲ تا ۷۴ سوره فرقان ۲۵) عبارت

است از:

- ۱ - خشوع و افتادگی به هنگام راه رفتن بر روی زمین (یعنی، عدم داشتن کبر و نخوت و غرور و شهوت).
- ۲ - پیشدستی در سلام‌گوئی به هنگام روبرو شدن با نادانان (یعنی، احساس مسئولیت در برابر جاهل و نادان).
- ۳ - اقامه نماز شب و قیام و قعود شبانگاهی به خاطر خدا (یعنی، شب زنده‌داری هدفمند به خاطر خودسازی).
- ۴ - دعا به درگاه خداوندی برای دوری از عذاب جهنم (یعنی، خداترس بودن و یقین به آخرت و عذاب داشتن).
- ۵ - انفاق بدون افراط و تفریط بلکه با اعتدال (یعنی، رعایت جنبه اقتصاد و اعتدال، حتی در بخشش).
- ۶ - عدم شرک و ورزی (به هر نحوی) با خدای بزرگ (یعنی، احتراز از هر پندار و کردار و گفتاری که او را از توحید دور می‌کند).
- ۷ - احتراز از قتل نفس محترم مگر قتل نفسی که به حق است (یعنی، پرهیز از آدم‌کشی و خونخواری به صورت‌های شخصی و شخصیتی).
- ۸ - پرهیز از عمل زشت زناکه عذاب دردناکی دارد (یعنی، دوری از هر گونه نیت و نتیجه‌ای که رابطه جنسی غیرمجاز دارد).
- ۹ - شهادت ندادن به ناحق و شاهد زور نبودن (یعنی، نه زورگوئی کردن خود و نه شاهد زورگوئی دیگران بودن).
- ۱۰ - گذشت بزرگوارانه از کنار عمل لغو دیگران (یعنی، داشتن سعه‌صدر در اغماض از قصور دیگران در رابطه با خود).
- ۱۱ - عدم عبور از آیات الهی به حالت‌های کروکور (یعنی، توجه به کلیه آیات آفاقی، انفسی و کتابی خداوندی داشتن).
- ۱۲ - درخواست زن و فرزند صالح از خداوند (یعنی، احترام به کانون خانواده و

درخواست فرزند صالح از خدا).

بدیهی است که آیات فوق‌الذکر را به صورت جمع‌بندی شده‌ای در جای دیگری می‌خوانیم که آمده است:

وَجَعَلْنَا مِنْهُمْ آيَةً يَهْدُونَ بِأَمْرِنَا لِمَا صَبَرُوا وَكَانُوا بِآيَاتِنَا يُوقِنُونَ (۲۴ سجده ۳۱).

یعنی: اولاً، امامت هدایت بایستی با شایستگی اکتسابی و جعل الهی باشد، ثانیاً، شایستگی امامت سکه‌ای است که یک طرف آن صبر بر آفات و طرف دیگر آن یقین بر آیات الهی باشد و این دوازده طریق بیعت و نصرت مؤمنین برای امام محرز می‌گردد.

□ بخش دوم: نحوه انتخاب اولیاء امور:

برای هر امری ولی امر واجد شرایطی را باید لحاظ کرد و اما این که این اولیاء واجد شرایط امور چگونه انتخاب گردند خود از اهمیت بسیار بالائی برخوردار است که به اجمال در زیر خواهیم آورد:

□ الف: نحوه انتخاب ولی امر شخصی (شخص رشید):

ولایت امور شخصیه به‌طور قهری با خود انسان واجد شرایط یعنی مرد یا زن بالغ، عاقل، آگاه و رشید می‌باشد. ولایت فرزندان صغیر نیز به ترتیب زیر با مادر و پدر آن فرزندان بوده در صورت عدم حضور آنها با جدپدری، هر چه بالاتر رود، می‌باشد. در حالت سوم که فرزند صغیری دارای پدر، جدپدری (و هر چه بالاتر رود) نبوده باشد، یا آن که آنها هیچکدام اهلیت ولایت فرزند صغیر را، به تشخیص حاکم شرع نداشته باشند، طبق قانون مدنی، برای ایشان شخصی به نام قیم نصب می‌شود. این قیم قهری بایستی دارای اهلیت قیومیت بوده و می‌تواند در ازای کار خویش مزدی دریافت نماید. بدیهی است در صورت فقدان پدر، به شرط اهلیت و موافقت مادر، مادر می‌تواند تا سن تکلیف فرزندان خود، قیومیت آنها را با تأیید دادگاه به عهده گیرد.

و اما ولایت مادر برای فرزندان کوچک پسر تا سن دوسالگی و دختر تا هفت سالگی بوده و محدوده آن پرورش و نام آن "حضانت" است. در همین راستا، ولایت پدر برای فرزندان کوچک خود تا سن تکلیف بوده و مسئولیت آن آموزش و نفقه

بوده و نام آن "آبوت" است.

□ ب: نحوه انتخاب ولی امر عبادی (مرجع تقلید):

اگر شخصی (اعم از زن یا مرد) خودش به اهلیت استنباط (اجتهاد) برسد، اجازه دارد از دیگری تقلید نکند.

اگر کسی نه مجتهد مستنبط بوده و نه مرجعیت جامع الشرایطی را پیدا کرده باشد، بایستی عمل به احتیاط کند. پس می ماند یک مورد و آن لزوم مرجعیت تقلید اعلم و اعدل جهت تقلید غیر مجتهدین و غیر عاملین به احتیاط می باشد.

این شخصیت که بایستی دارای اهلیت لازم باشد از چند طریق قابل تشخیص است:

۱ - شیاع: یعنی در بین عموم شیعیان، اهلیت مرجعیت فقیهی به درجه شیوع مطرح باشد.

۲ - تشخیص صاحب نظری در دین برای تقلید شخصی خود از مجتهد جامع الشرایط.

۳ - تأیید حداقل دو مرد بالغ، عالم، عادل در دین، اهلیت مجتهدی را.

نکته بسیار مهم اشراقی در این زمینه همانا عنایت آقا امام زمان علیه السلام است که در طول تاریخ تشیع همیشه شامل حال شیعیان بوده به طوری که فرد یا افراد واجد شرایط برای مؤمنین عیان شده اند.

□ د: نحوه انتخاب ولی امر مسلمین:

ولی امر که در بیان شیعه "ولایت زعامت" یا "امامت هدی" نامیده می شود، به دو صورت تحقق یافته و می یابد. یکی به صورت منصوص (برای ائمه معصومین سلام الله علیهم اجمعین) و یکی هم به صورت منقول (برای ائمه متقین غیر معصوم).

ولایت معصومین، سلام الله علیهم، دارای دو وجه اهلیت و بیعت (یعنی دو شرط لازم و کافی ابراز و احراز) بوده است و شرط اهلیت آنها هم در قرآن آمده است، طی آیه تطهیر:

إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ رِجْسَ أَهْلِ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيراً (قرآن ۳۳/۳۳)

و هم توسط پیامبر اکرم (ص) به طور کلی و توسط هر امامی برای امام بعد از خود،

به‌طور مشخص، تأیید شده است. همانگونه که پیامبر اکرم (ص) درباره حضرت علی علیه‌السلام فرمود: **مَنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ فَهَذَا عَلِيٌّ مَوْلَاهُ** (حدیث نبوی).

و اما شرط کافی (یعنی شرط ابراز) ولایت یا زعامت، همانا بیعت اکثریت مؤمنین می‌باشد که این امر در دوره دهساله حکومت نبوی (در مدینه) و در دوره پنج‌ساله حکومت علوی (در کوفه) تحقق یافته است. در عصر حاضر نیز اکثریت قریب به اتفاق مؤمنین با حضرت امام (ره) بیعت و ایشان تشکیل حکومت دادند و این امر تا آخر حیات ایشان ادامه یافت تا انتخاب رهبر فعلی که از طریق نظر اکثریت خبرگان منتخب مردم صورت پذیرفت. نهاد خبرگان رهبری و الاثرین نهادی است که به‌طور همزمان اهلیت رهبری را از نقطه نظر اجتهاد اسلامی و سایر جهات تشخیص داده و به نمایندگی از طرف مؤمنین (مردم) با ایشان بیعت می‌کنند.

□ نتیجه‌گیری:

۱ - هر امری از امور مسلمین ممکن است مشمول یک، دو، سه و چهار نوع ولایت باشد.

۲ - ولایت در هر امری با ولی امر واجد شرایط همان امر است که یا به شخص و یا به شخصیت معرفی گردیده است. مثلاً امامان معصوم را پیامبر اکرم (ص) نام برده‌اند و سایر ائمه متقین با ذکر مشخصات آنها، در قرآن و سنت معرفی شده‌اند، و یا ثواب اربعه امام زمان علیه‌السلام با شخص معرفی شده‌اند و نواب عامه ایشان با شخصیت.

۳ - هر ولی امری در هر سطحی از ولایت که قرار می‌گیرد بایستی دارای شرایط لازم و کافی احراز و ابراز باشد که قبلاً به تفصیل آمد. فرضاً، پدر، ولی امر خانواده است با شرایط احراز: بلوغ، عقل، آگاهی و آزادی و شرایط ابراز: حضور، نفقه و سلامت کافی جسمانی و روحانی، به‌طوری که بتواند از عهده کلیه مسئولیت‌های زوجیت و اثوب بر آید.

۴ - در امور عبادی - انفرادی (خصوصی) یا شخص رشید خودش مجتهد است، که به استنباطات خویش عمل می‌کند و یا مجتهد نیست که باید از مجتهد اعلم و عادل زنده تقلید نماید.

۵ - داشتن سازمان حساب شده تری برای روحانیت، از طرفی، و اعمال مدیریت علمی تری بر آن سازمان، از طرف دیگر، از ضروریات عصر حاضر است. زیرا چشم دوست و دشمن، از طرفی، و علاقه‌مندان به یادگیری و آشنائی با معارف اسلامی، از طرف دیگر، به ایران و به ویژه به حوزه‌های علمیه آن دوخته شده است.

بدیهی است این همه انتظار را نمی‌توان با این حال پاسخگو بود و لذا دانشمندان دلسوز حوزه بایستی در شکل و محتوای سازمان و مدیریت خود تجدیدنظری بنمایند، تا این که انشاءالله با مشکل تعلیم و تربیت معارف اسلامی و نشر و گسترش آن مواجه نگردیم.

۶ - و اما در ارتباط با روابط اجتماعی و امور گروهی، علاوه بر بالا بردن سطح آگاهی عمومی، که از وظایف روشنفکران متعهد و متعهدین روشنفکر می‌باشد، ضروری است که کارهای مردم، حتی الامکان، به خودشان واگذار گردد و اگر دولت هم به عنوان وکیل الرعایا از جانب آنها انتخاب شده وارد صحنه عملیات می‌گردد، دخالت‌های خود را در حداقل "اعمال تصدی" داشته و عمدتاً به "اعمال نظارت" بپردازد.

اموری مانند اقتصاد، فرهنگ و مشابه آنها از مسائلی نیست که دولت‌ها بخواهند یا بتوانند صددرصد در اختیار بگیرند.

۷ - مردم بایستی در انتخابات مختلف به صورت عالمانه و عامدانه شرکت داده شوند و منتخبین مردم نیز با داشتن حداکثر شرایط احراز مسئولیت موردنظر، صادقانه به دنبال وکالت موکلین خود کمر همّت بندند.

این انتخابات در هر یک از سطوح سازمانی، شوراهای محلی، استانی، ملی و برای هر یک از مناصب وکالت، وزارت و به ویژه ریاست جمهوری که بوده و باشد مشمول ضوابط دقیق و عمیق اسلامی - انسانی احراز و ابراز است.

۸ - شرکت مردم در تعیین سرنوشت خود، از طریق مکانیسم مشاوره مورد تأکید اسلام است تا جایی که خداوند به پیامبر مرسلش می‌فرماید:

وَشَاوِرْهُمْ فِي الْأَمْرِ فَإِذَا عَزَمْتَ فَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ (۱۵۹ آل عمران ۳).

یعنی: با ایشان (جامعه اسلامی شامل کلیه آحاد ساکن در قلمرو اسلامی)

مشورت کن و پس از آن که تصمیمی گرفتی با توکل بر خدا آن را به اجرا در آور.

۹ - و اما نکته مهم‌تر از همه، همانا ضرورت تشکیل حکومت اسلامی، حتی در غیبت امام معصوم (س) می‌باشد، آن هم به هنگامی که اکثریتی از مسلمین و مؤمنین به ایجاد آن رأی داده برای اقامه آن حاضر به یاری و نصرت دادن هستند، شرایطی که علی علیه‌السلام برای پذیرفتن حکومت علوی در خطبه شششنبه مطرح می‌فرماید:

لَوْلَا الْحُضُورِ الْحَاضِرِ وَ قِيَامِ الْحُجَّةِ بِوُجُودِ النَّاصِرِ وَمَا أَخَذَ اللَّهُ عَنِ الْعُلَمَاءِ أَنْ لَا يُقَارَؤُا عَلَيَّ كِطَّةَ ظَالِمٍ وَ سَقَبَ مَظْلُومٍ...

۱۰ - بنابراین، هرگاه عالمی با این وضعیت روبرو شود که مردم با او بیعت کرده و او را نصرت دهند حجت بر او تمام شده بایستی جهت اقامه عدل (و سرکوبی ظلم) اقامه حکومت نماید.

انشاءالله

□ پاره‌ای از منابع و مأخذ:

- ... ۱ - قرآن کریم
- حضرت محمد (ص) ۲ - نهج الفصاحة
- حضرت علی (ع) ۳ - نهج البلاغة
- حضرت سجاد (ع) ۴ - رساله الحقوق
- علامه طباطبائی ۵ - شیعه در اسلام
- شهید مطهری ۶ - امامت و رهبری
- شهید مطهری ۷ - اسلام و مقتضیات زمان
- شهید مطهری ۸ - سازمان روحانیت
- شهید مطهری ۹ - اصل اجتهاد در اسلام
- شهید مطهری ۱۰ - جاذبه و دافعه علی علیه السلام
- امام خمینی (ره) ۱۱ - تحریر الوسیله
- آیه... العظمی گلپایگانی (ره) ۱۲ - مجمع المسائل
- امام خمینی (ره) ۱۳ - ولایت فقیه
- جمهوری اسلامی ایران ۱۴ - قانون اساسی
- سید عبدالحسین شرف‌الدین ۱۵ - اجتهاد در مقابل نص
- حسین باهر ۱۶ - خط امامت یا رهبری در اسلام
- حسین باهر ۱۷ - تئوری عمومی مدیریت اسلامی
- حسین باهر ۱۸ - مدیریت سیاسی در اسلام
- حسین باهر ۱۹ - مدیریت ارزشی
- حسین باهر ۲۰ - سازماندهی و تصمیم‌گیری
- استاد حسن زاده آملی ۲۱ - ولایت تکوینی
- شهید صدر ۲۲ - تشیع یا اسلام راستین
- شهید صدر ۲۳ - سرچشمه‌های قدرت در حکومت اسلامی
- آیه... صافی ۲۴ - تجلی توحید در نظام امامت
- آیه... خامنه‌ای ۲۵ - حکومت علوی